



حسین تربتی

مهدی علیه السلام

میراثدار انبیاء علیهم السلام

اما شباهتش به یونس بن متی علیه السلام، بازگشت او از غیبت است در حالی که با وجود سن زیاد، جوان باشد. و اما شباهتش به یوسف بن یعقوب علیه السلام، پنهان زیستن آن حضرت از خاص و عام و مخفی شدن از برادران و پوشیده شدن امر او بر پدرش، یعقوب علیه السلام باشد و این در حالی بود که بین او و پدر، بستگان و پیروانش، فاصله کمی بود (امام زمان علیه السلام در بین مردم با فاصله کم از آنها مخفی و پنهان است). و اما شباهتش به موسی علیه السلام، ترس

مهدی موعود علیه السلام هم شباهت تام به انبیای گذشته دارد و هم میراثدار تمام انبیاء است.

الف. جامع کمالات

در مورد شباهت آن حضرت به انبیا و رسولان سلف، باقر آل محمد علیه السلام فرمود: «إِنَّ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام شَبْهًا مِنْ خَمْسَةٍ مِنَ الرُّسُلِ يُونُسُ بْنُ مَتَّى وَ يُوسُفُ بْنُ يَعْقُوبَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَتْهُمُ...»^۱ به راستی در قائم از آل محمد علیه السلام شباهتی است به پنج تن از رسولان، یونس و یوسف و موسی و عیسی و

محمد علیه السلام».

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷؛ کشف الغممه، ج ۲، ص ۵۲۳.

دائمی داشتن از دشمنان و طولانی بودن غیبت و پنهانی بودن تولد اوست و این که پیروانش پس از او از اذیت و خواری در رنج بودند تا اینکه سرانجام خدای عز و جل، ظهورش را اجازه فرمود و او را بر دشمنانش یاری و نصرت بخشید.

و اما شباهتش به عیسی علیه السلام، اختلاف کسانی است که درباره او اختلاف کردند. گروهی گفتند: به دنیا نیامد، و برخی گفتند: مرد و از دنیا رفت و عده‌ای گفتند: کشته و به دار آویخته شد.

و اما شباهتش به جدش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله، خروج او با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و دشمنان رسول صلی الله علیه و آله و جباران و سرکشان است.^۱

در بخشی از روایت طولانی‌ای که از حضرت صادق علیه السلام توسط مفضل بن عمر نقل شده است چنین می‌خوانیم: «وَسَيَدُنَا الْقَائِمُ علیه السلام مُسَيِّدٌ ظَهْرُهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ يَقُولُ: يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ الْآوَمِنَ آرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ وَ شَيْثَ، فَهَا أَنَا ذَا آدَمَ وَ شَيْثَ، الْآوَمِنَ آرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحٍ وَ وُلْدِهِ سَامَ فَهَا أَنَا ذَا نُوحٍ

وَسَامَ، الْآوَمِنَ آرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ فَهَا أَنَا ذَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ الْآوَمِنَ آرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُوسَى وَ يُوشَعَ فَهَا أَنَا ذَا مُوسَى وَ يُوشَعَ الْآوَمِنَ آرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عِيسَى وَ سَمْعُونَ فَهَا أَنَا ذَا عِيسَى وَ سَمْعُونَ. الْآوَمِنَ آرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَهَا أَنَا ذَا مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیهم السلام الْآوَمِنَ آرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ علیهم السلام فَهَا أَنَا ذَا الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ الْآوَمِنَ آرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْاِثْمَةِ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ علیهم السلام فَهَا أَنَا ذَا الْاِثْمَةِ علیهم السلام؛ آقای ما قائم علیه السلام پشت خود را به کعبه تکیه زده می‌فرماید: ای گروه مردم! بیدار باشید! هر کس می‌خواهد آدم و شیث را ببیند، اینک منم آدم و شیث، بیدار باشید! هر کس می‌خواهد نوح و فرزندش سام را به تماشا نشیند، اینک منم نوح و سام، آگاه باشید! هر کس می‌خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، اینک منم ابراهیم و اسماعیل، بیدار باشید! کسی که می‌خواهد موسی و یوشع را بنگرد، اینک منم موسی و یوشع، آگاه باشید! هر کس می‌خواهد

۱. همان.

۲. همان، ج ۵۳، ص ۹.

عیسی و شمعون را بنگرد، این منم عیسی و شمعون، بیدار باشید! هر کس می‌خواهد محمد و امیر مؤمنان را بنگرد، اینک منم محمد و علی، بیدار باشید! و هر کس می‌خواهد حسن و حسین را بنگرد، اینک منم حسن و حسین، بیدار باشید! هر کس می‌خواهد امامان از فرزندان حسین را تماشا کند، اینک من همان [عصاره] ائمه از فرزندان حسینم.»

«چهارده معصوم را یکجا منم

عترت و قرآن به یک معنی منم»
حقا که با آواز جلی باید گفت:
«هر چه خوبان همه دارند تو یکجا داری
زین سبب هست که اندر دل ما جا داری»
قابل دقت است که مراد از نزدیکی آن حضرت به انبیا و یا شباهت او، همان همرنگی و همگونی کمالی و جمالی است؛ یعنی آنچه از صفات کمال و اخلاق ستوده در انبیا بوده، در او نیز جمع است؛ چنان که در بخشی از لوح فاطمه زهرا علیها السلام که توسط جابر نقل شده است، می‌خوانیم: «وَالْخَازِنُ لِعِلْمِي الْحَسَنِ (ثُمَّ) وَأَكْمَلُ ذَلِكَ بِاتِّبَاعِهِ (م-ح-م-د) رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ

مُوسَى وَبِهَاءِ عِيسَى وَصَبْرِ أَيُّوبَ؛^۱ گنجینه دار علم من حسن (عسکری) است و کامل می‌شود آن (سلسله امامت) با فرزندش مهدی که رحمت است بر جهانیان و دارای کمال موسی و عظمت عیسی و بردباری ایوب است.»

این همه تأکیدات برای آن است که مردم در دوران ظهور، جامعیت امام زمان علیه السلام را درک کنند و بفهمند که همه انبیا و اولیا در او خلاصه شده‌اند و تمام علوم انبیا و کتب آسمانی آنها در نزد او جمع می‌باشد. لذا امام صادق علیه السلام فرمود: «كُلُّ نَبِيٍّ وَرِثَ عِلْمًا أَوْ غَيْرَهُ فَقَدْ أَتَيْتَنِي إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛^۲ هر پیغمبری علم یا غیر آن را به ارث برده، به محمد منتهی می‌شود.» و علوم حضرت محمد به وارثان او و آخرین وارث و وصیش می‌رسد. چنان که امام باقر فرمود: «إِنَّ الْعِلْمَ بِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَيْتَبُتْ فِي قَلْبِ مَهْدِيْنَا كَمَا تَيْتَبُتْ الزَّرْعُ عَلَى أَحْسَنِ تَبَاتِهِ فَمَنْ بَقِيَ مِنْكُمْ حَتَّى يَرَاهُ فَلْيُقْبَلْ

۱. کافی ج ۱، ص ۵۲۷؛ نعمانی، الغيبة، ص ۲۹؛

عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۱؛ الاحتجاج،

ج ۱، ص ۶۷

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸، ذیل حدیث ۴۵.

آنچه نمی دانستیم و در آن وجود دارد، و آنچه بر ما مخفی مانده بود و آنچه از آن افتاده بود و تبدیل و تحریف شده بود.» آنگاه تورات و انجیل و زبور را می خواند و اهل تورات و زبور می گویند: «هذه وَ اللّٰهُ التّٰوْرَةُ الْجَامِعَةُ وَ الرَّبُّورُ التّٰمَامُ وَ الْاِنْجِيلُ الْكَامِلُ وَ اِنَّهَا اَضْعَافُ مَا قَرَأْنَا مِنْهَا»^۱ به خدا سوگند تورات جامع و زبور تمام و انجیل کامل این است و به راستی آن چندین برابر آن چیزی است که ما قبلاً خوانده بودیم.»

ب. میراثدار انبیاء

بر اساس اخبار و روایات رسیده، حضرت حجت علیه السلام، به هنگام ظهور، تمام موارث انبیاء که دارای خاصیت منحصر به فرد می باشد همراه دارد، پیراهن ابراهیم و یوسف علیهم السلام، عصای موسی علیه السلام، انگشتر سلیمان علیه السلام، تابوت سکینه، پرچم و شمشیر پیامبر خاتم علیهم السلام، در نزد او خواهد بود.

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «إذا

حِبْرَ نِزَاةِ السَّلَامِ عَلَيْنِمْ يَا اَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللّٰهِ فِيْ اَرْضِهِ»^۲ به راستی آگاهی به کتاب خدای عزیز و جلیل و سنت پیامبرش صلی الله علیه و آله، در قلب مهدی ما می روید! مانند، رویدن زراعت بر نیکوترین حالت؛ پس کسی که از شما باقی بماند تا او را ببیند، باید در آن هنگام بگوید: سلام بر شما ای اهل بیت رحمت و معدن دانش و محل رسالت، سلام بر تو ای باقی مانده خدا در زمین او.»

در نتیجه حضرت مهدی علیه السلام، نه تنها جامع صفات کمال و جمال انبیای گذشته است، بلکه جامع علوم آنها و آگاه به کتب آسمانی آنان نیز می باشد. چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: امام زمان علیه السلام می گوید: هر کس که کتابها (ی آسمانی) و صحف (انبیا) را می خواند، پس باید از من بشنود. سپس ابتدا می کند به (خواندن) صحفی که خداوند بر آدم و شیث نازل فرمود و امت (و پیروان) آدم و شیث می گویند: «به خدا سوگند این همان صحف واقعی است و به راستی ما را نشان داد

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۱۷-۳۱۸، روایت ۱۶.

۲. همان، ج ۵۳، ص ۹.

ظَهَرَ الْفَائِمْ ﷺ ظَهَرَ بِرَأْيَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ خَاتَمِ سَلِيمَانَ وَ حَجَرِ مُوسَى وَ عَصَاهُ ثُمَّ يَأْتُرُ مُنَادِيهِ قَيْنَادِي أَلَا لَا يَحْمِلُ رَجُلٌ مِنْكُمْ طَعَامًا وَ لَا شَرَابًا وَ لَا عَلْفًا فَيَقُولُ أَصْحَابُهُ: إِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَفْتُلْنَا وَ يَفْتُلَ دَوَابَّنَا مِنَ الْجُوعِ وَ الْعَطَشِ فَيَسِيرُ وَ يَسِيرُونَ مَعَهُ فَأَوَّلُ مَنْزِلٍ يَنْزِلُهُ يَضْرِبُ الْحَجَرَ فَيَنْبُحُ مِنْهُ طَعَامٌ وَ شَرَابٌ وَ عَلْفٌ فَيَأْكُلُونَ وَ يَشْرَبُونَ وَ دَوَابُّهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجْفَ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ؛^۱ هنگامی که قائم ظهور کند، با پرچم رسول خدا و انگشتر سلیمان و سنگ و عصای موسی ظهور خواهد کرد. سپس منادی او به فرمان آن حضرت ندا می‌دهد: فردی از شما غذا و آب و علف با خود حمل نکند. پس یارانش می‌گویند: او قصد دارد ما و چهارپایان ما را بر اثر گرسنگی و تشنگی هلاک کند. پس او حرکت می‌کند و آنها نیز با او حرکت می‌کنند. پس در اولین منزلی که آن حضرت فرود می‌آید، آن سنگ را (به زمین) می‌زند، پس غذا و آب و علف از آن بیرون می‌آید و یاران و حیوانات آنان از آن می‌خورند و می‌نوشند (وضع به همین منوال است) تا به نجف پشت کوفه می‌رسند.»

امام صادق ﷺ فرمود: «وَإِنَّهُ كَانَ كُنْهٌ فِي السَّفَطِ وَ تَرَكَاتُ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ حَتَّى عَصَا آدَمَ وَ نُوْحَ ﷺ وَ تَرَكَهُ هُوْدُ وَ صَالِحَ ﷺ وَ مَجْمُوعَ إِبْرَاهِيمَ ﷺ وَ صَاعُ يُوسُفَ ﷺ وَ مِكَيَالَ شُعَيْبَ ﷺ وَ مِيزَانَهُ وَ عَصَى مُوسَى ﷺ وَ تَابُوتَهُ الَّذِي فِيهِ بَقِيَّةُ مَا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَ آلُ هَارُونَ تَسْحِمَلَةَ الْمَلَائِكَةِ وَ دِرْعُ دَاوُدَ ﷺ وَ خَاتَمَهُ وَ خَاتَمِ سَلِيمَانَ ﷺ وَ تَاجَهُ وَ رَحْلَ عِيسَى ﷺ وَ مِيرَاثُ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْتَلِينَ فِي ذَلِكَ السَّفَطِ؛^۲ همه آن اشیا (در نزد حضرت مهدی) داخل آن جامه دان قرار دارد و همین طور تمامی ماترک انبیا حتی عصای آدم و نوح و ماترک هود و صالح و مجموع ابراهیم و جام یوسف و پیمانان و ترازوی شعیب و عصای موسی و تابوت [سکینه] او که ماترک (یادگارهای) آل موسی و هارون در آن قرار دارد و ملائکه آن را حمل می‌کنند و زره داود ﷺ و انگشترش و انگشتر حضرت سلیمان و تاجش و رحل^۳ عیسی و میراث انبیاء و رسولان (همه) در آن جامه دان قرار دارند.»

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۵۱، حدیث ۱۰۵.

۲. همان، ج ۵۳، ص ۳۶.

۳. رخت و اسباب همراه مسافر را گویند.

موراثت انبیاء فقط یک
مجموعه اشیای قیمتی و
عتیقه نیست که فقط جنبه
مالی و آثار باستانی داشته
باشد، بلکه اشیایی است
منحصر به فرد و دارای
خواص فوق العاده عجیب و
پیشرفته که حضرت را در
تحقق حکومت جهانی و بر
پای عدالت فراگیر، کمک و
یاری می‌رساند.

رَبِّحْ يُونُسَ لَوْلَا أَنْ تَفَنَّدْتَهُ؛^۱ «به راستی
من بوی یوسف را استشمام می‌کنم اگر
مرا کم خرد ندانید.»
این همان پیراهن است که

۱. ر.ک: ابو علی طبرسی، تفسیر مجمع البیان،
ج ۵، ص ۲۶۲.
۲. یوسف / ۹۴.

آنچه به خوبان جهان داده‌اند
قسم تو را بهتر از آن داده‌اند
آنچه بنازند بر آن دلبران
جمله تو را هست زیادت بر آن
قابل تذکر است موراثت انبیاء
فقط یک مجموعه اشیای قیمتی و
عتیقه نیست که فقط جنبه مالی و آثار
باستانی داشته باشد، بلکه اشیایی است
منحصر به فرد و دارای خواص فوق
العاده عجیب و پیشرفته که حضرت را
در تحقق حکومت جهانی و بر پایی
عدالت فراگیر، کمک و یاری
می‌رساند. برای روشن شدن، برخی از
آنها را بررسی می‌کنیم.

۱. پیراهن ابراهیم خلیل و حضرت

یوسف علیه السلام

این پیراهن، پیراهن بهشتی و بی
نهایت خوشبو و حفظ‌کننده و شفا
بخش است. همین پیراهن بود که
ابراهیم را از آتش نجات داد و بعد از او
به اسحاق و آنگاه به یعقوب و یوسف
رسید. این همان پیراهن بود که بوی آن
را یعقوب از مصر که تا کنعان فاصله
زیادی داشت استشمام کرد.^۱ چنان که
قرآن از زبان او نقل می‌کند که ﴿إِنِّي لَأَجِدُ

وسيله‌ای برای شفای چشمان نابینای یعقوب شد، که بنابر نقل مرحوم طبرسی، بیش از شش سال نابینا بود^۱ و قرآن نیز می‌فرماید: ﴿وَ أَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ﴾؛ «و دیدگانش از غم و اندوه سفید شد.»

وقتی حضرت یوسف از حال پدر جو یا شد، برادران گفتند: پدر از فراق تو چشمانش را از دست داده، حضرت یوسف فرمود: ﴿اذْمَعِبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوَّةَ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا﴾؛^۲ «این پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم بیاندازید که بینا می‌شود.»

و چون بشارت دهنده به کنعان رسید، پیراهن را بر صورت یعقوب افکند و او در جا بینا شد و آنگاه بود که حضرت یعقوب فرمود: ﴿أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾؛^۳ «آیا به شما نگفتم که من از خداوند چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.»

درباره سابقه و خاصیت و نهایت این پیراهن، حضرت صادق علیه السلام به مفضل فرمود: «آندری ما کمان قمیص یوسف علیه السلام قال: قلت: لا. قال: إن إبراهیم علیه السلام لما أوفدت له النار نزل إليه جبرئیل علیه السلام

بِالْقَمِيصِ وَالْبَسَهُ أَيَّاهُ فَلَمْ يَضُرَّهُ مَعَهُ حَرٌّ وَلَا بَرْدٌ فَلَمَّا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ جَعَلَهُ فِي تَمِيمَةٍ وَعَلَّقَهُ عَلَى إِسْحَاقَ علیه السلام وَعَلَّقَهُ إِسْحَاقُ عَلَى يَعْقُوبَ علیه السلام فَلَمَّا وُلِدَ يَوْسُفَ عَلَّقَهُ عَلَيْهِ وَكَانَ فِي عَضُدِهِ حَتَّى كَانَ مِنْ أَمْرِهِ مَا كَانَ فَلَمَّا أَخْرَجَهُ يَوْسُفَ مِنَ التَّمِيمَةِ وَجَدَ يَعْقُوبَ رِيحَهُ وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ «إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يَوْسُفَ نَوَالًا أَنْ تُقَنَّدُونَ فَهُوَ ذَلِكَ الْقَمِيصُ الَّذِي مِنَ الْجَنَّةِ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فَإِنِّي مَن صَارَ هَذَا الْقَمِيصُ قَالَ إِلَى أَهْلِيهِ وَهُوَ مَعَ قَائِمِنَا إِذَا خَرَجَ»^۴ می‌دانی پیراهن یوسف چه بود؟ گفت: نه. حضرت فرمود: وقتی آتش برای ابراهیم افروخته شد، جبرئیل با این پیراهن به سوی او فرود آمد و آن را بر او پوشاند. پس با آن پیراهن، گرما و سرما به او زیان نمی‌رساند. چون وفات او نزدیک شد، آن را در جلدی قرار داده و به (گردن) اسحاق آویخت و اسحاق (نیز) بر یعقوب آویخت و چون یوسف متولد شد، یعقوب آن را به یوسف آویخت.

۱. همان.

۲. یوسف / ۹۳.

۳. یوسف / ۹۶.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷، روایت ۴۵.

هنگامی که آن بلاها به یوسف رسید، آن جلد در بازوی او بود، وقتی که یوسف آن پیراهن را از جلد خارج کرد، یعقوب بوی آن را استشمام کرد و این سخن خدای عزیز و جلیل [از قول یعقوب] است که می گوید: «همانا من بوی یوسف را استشمام می کنم اگر مرا کم خرد ندانید». پس آن همان پیراهن بهشتی است.

مفضل می گوید: عرض کردم: فدایت شوم! این پیراهن به چه کسی رسید؟ فرمود: به اهلش رسید و هنگامی که قائم ما قیام کند، آن پیراهن با او خواهد بود.

از روایات فوق به خوبی به دست می آید که آن پیراهن، پیراهن معجزه آسا و ودیعه الهی است.

قابل ذکر است که این پیراهن در همان حالی که امام صادق علیه السلام سابقه و خصوصیات آن را بیان می کرد نزد خود حضرت موجود بود، شاهد این مطلب و مطلب اصلی - که آن پیراهن همراه حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود - روایت یعقوب بن شعیب است که می گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم،

حضرت فرمود: «الَا أُرِيكَ قَمِيصَ الْقَائِمِ الَّذِي يَقُومُ عَلَيْهِ؟ قُلْتُ: بَلَى. فَدَعَا بِقَمِيصٍ فَفَتَحَهُ وَأَخْرَجَ مِنْهُ قَمِيصَ كِرَائِسَ فَنَشَرَهُ فَأَذَا فِي كُمِّهِ الْإَيْسَرِ دَمٌ فَقَالَ: هَذَا قَمِيصُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الَّذِي عَلَيْهِ يَوْمَ ضُرِبَتْ رِبَاعِيَّتُهُ وَفِيهِ يَقُومُ الْقَائِمُ فَتَبَلَّتْ الدَّمُ وَوَضَعْتُهُ عَلَى وَجْهِهِ ثُمَّ طَوَاهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَرَفَعَهُ؛ أَيَا نَمِي خَوَاهِي پِيرَاهِنِ قَائِمِ رَا كِه دَر آن قِيَامِ مِي كِنْد بِه تُو نِشَانِ دِهَم؟ عَرَضِه دَاشْتَم: چِرا.

پس حضرت جعبه ای را خواست و آن را گشود و یک پیراهن کرباس از داخل آن بیرون آورد و آن را باز کرد. پس دیدم که آستین چپ آن خون آلود است. حضرت فرمود: این پیراهن پیامبر است، روزی که دندانهای رباعی آن حضرت در جنگ شکست، آن را بر تن داشت و در آن قائم قیام می کند. یعقوب می گوید: من خون را بوسیدم و آنرا به صورت خود گذاشتم و آن گاه حضرت پیراهن را پیچیده و برداشت.

۲. عصای حضرت موسی علیه السلام

دومین میراثی که حضرت

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۵۵، روایت ۱۱۸.

مهدی علیه السلام همراه دارد، عصای موسی علیه السلام است. این عصا نیز طبق نقل قرآن و روایات، یکی از معجزات حضرت موسی بوده است که بعد از ظهور مهدی علیه السلام در اختیار او قرار می‌گیرد تا در تحقق اهدافش او را یاری رساند. محمد بن فیض از محمد بن علی باقر العلوم علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «كَانَ عَصَى مُوسَى علیه السلام لِأَدَمَ قِصَارَتِ الْيَسَابِقِ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِنَّهَا لَعِنْدَنَا وَإِنَّ عَهْدِي بِهَا أَيْضًا وَهِيَ خَضْرَاءُ كَهَيْئَتِهَا حِينَ انْتَزَعَتْ مِنْ شَجَرِهَا وَإِنَّهَا لَتَنْطِقُ إِذَا اسْتَنْطَقَتْ. أَعَدَّتْ لِقَائِنَا لِيَضَعَ كَمَا كَانَ مُوسَى يَضَعُ بِهَا وَإِنَّهَا لَتَرُوعُ وَتَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ وَتَضَعُ كَمَا تُوَمَّرُ وَإِنَّهَا حَيْثُ أَقْبَلْتَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ تَفْتَحُ لَهَا شَقَّتَانِ أَحَدُهُمَا فِي الْأَرْضِ وَالْأُخْرَى فِي السَّقْفِ وَبَيْنَهُمَا أَرْبَعُونَ ذِرَاعًا وَتَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ بِلْسَانِهَا؛^۱ عصای موسی از آدم بود و بعد به دست شعیب رسید و سرانجام به دست موسی بن عمران علیه السلام و اکنون در دست ماست و الان در دست من است. و آن عصا همانند روزی است که از درخت سبز بریده شده است و به راستی آن عصا هرگاه

استنطاق شود سخن می‌گوید. این عصا برای قائم ما آماده شده تا همچون موسی بن عمران آنرا به کار برد و این عصا [اهل باطل را] می‌ترساند و هر چه بیاندازند می‌بلعد و همان کاری را انجام می‌دهد که فرمان داده شده است و هر جا رو کند می‌بلعد آنچه را که به طرفش بیاندازند، دو لب باز می‌کند (در بعضی از نسخه‌ها وارد شده به دو شعبه می‌شود) که یکی روی زمین و دیگری تا سقف است که بین آن دو لب (یا دو شعبه) چهل ذراع است و هر چه به طرفش بیاندازند بازبانش می‌بلعد.»

قرآن نیز به بزرگی و خصوصیات این عصا اشاره دارد.^۲ این عصا همان است که به اذن خداوند، به اژدها تبدیل شد و آنچه که جادوگران از ریسمانها و چوبها به شکل مار درآورده بودند را بلعید و با چشمان دهشتناک خود متوجه فرعون شد. فرعون از ترس بی‌هوش شد^۳ و بر اثر این حمله و فرار

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۸، حدیث ۱۹؛

کافی، ج ۱، ص ۲۳۱؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۹۱.

۲. طه/۱۹ و شعراء/۴۳.

۳. بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۵۰؛ خصائص

جمعیت، هزاران نفر زیر دست و پا از بین رفتند.^۱

۳. انگشتر حضرت سلیمان

یکی دیگر از موارث انبیاء، انگشتر حضرت سلیمان است که در اختیار حضرت مهدی علیه السلام قرار می‌گیرد. آن حضرت از سمت صفا ظاهر می‌شود در حالی که انگشتر سلیمان و عصای موسی با اوست.^۲

این انگشتر دارای ویژگیهای معجزه آساست؛ چرا که به وسیله آن به سادگی می‌توان مؤمن را از کافر تشخیص داد و قدرت تسلطی که حضرت سلیمان بر موجودات جهان یافته بود، از طریق این انگشتر بود،

چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَلَكَ سُلَيْمَانَ فِي خَاتَمِهِ فَكَانَ إِذَا لَبَسَهُ حَضْرَتُهُ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ وَالشَّيَاطِينُ وَجَمِيعَ الطَّيْرِ وَالْوَحْشِ وَأَطَاعُوهُ؛^۳ خداوند پادشاهی سلیمان را در انگشترش قرار داده بود. پس هرگاه آن انگشتر را در دست می‌کرد، جن و انس و شیاطین و همه پرندگان و وحشیان نزد او حاضر می‌شدند، و از او اطاعت می‌کردند.»

این انگشتر در دوران ظهور

کاربردهایی دارد، از جمله تشخیص کافر از مؤمن؛ چنانکه علی علیه السلام فرمود:

«تَضَعُ الْخَاتَمَ عَلَى وَجْهِ كُلِّ مُؤْمِنٍ قَيْطَبُ فِيهِ هَذَا مُؤْمِنٌ حَقًّا وَتَضَعُهُ عَلَى وَجْهِ كُلِّ كَافِرٍ فَيُكْتَبُ فِيهِ هَذَا كَافِرٌ حَقًّا. إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُنَادِي أَلْوَيْلَ لَكَ يَا كَافِرٌ وَإِنَّ الْكَافِرَ لَيُنَادِي طُولِي لَكَ يَا مُؤْمِنٌ وَدَذْتُ أَمِي الْيَوْمَ مِثْلَكَ فَأَفُوزُ فَوْزًا؛^۴ [و امام زمان هر گاه انگشتر را بر روی هر مؤمنی قرار می‌دهد نوشته می‌شود.

«این واقعا مؤمن است» و آن را بر صورت هر کافری قرار می‌دهد، پس بر صورتش نوشته می‌شود: «این واقعا کافر است» تا آنجا که مؤمن صدا

المهدی، ص ۳۰۵.

۱. به نقل از ناسخ التواریخ، ج ۱، هبوط، ص ۳۷۵، تعداد هشتصد هزار و بنابر نقل روضة الصفا، ج ۱، ص ۲۲۶ تعداد کشتگان ششصد هزار نفر بوده است. و قابل تذکر است که از بین هشتاد هزار نفر جادوگر، هفت هزار و از میان هفت هزار نفر، هفتاد نفر و از بین هفتاد نفر دو نفر کهنه کار برای مصاف و مقابله با حضرت موسی انتخاب شد. «بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۱۶۸، و کودک نبیل، ص ۱۳۴. گفتنی است بسیاری از جزئیات قصص انبیای گذشته، مطالبی ضعیف و اصطلاحاً از اسرائیلیات است.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱، حدیث ۱۰۵.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۹۹.

۴. همان، ج ۵۲، ص ۱۹۴.

نزد بنی اسرائیل بیشتر شد. آنها در جنگهایی که میان آنان و دشمنان واقع می‌شد، آنها را با خود می‌بردند و اثر روانی و معنوی خاصی داشت. از اینرو گفته‌اند تا زمانی که این صندوق خاطره‌انگیز با آن محتویات مقدس در میانشان بود، با سر بلندی زندگی می‌کردند.^۱

و در منابع روایی آمده است که این تابوت، بعد از ظهور، در اختیار حضرت مهدی علیه السلام قرار می‌گیرد، از جمله حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ الْمَهْدِيَّ مُسْتَخْرِجَ تَابُوتِ السَّكِينَةِ مِنْ غَارِ أَنْطَاكِيَّةَ وَأَسْفَازَ التَّوْرَةِ مِنْ جَبَلِ الشَّامِ يُخَاجُّ بِهَا الْيَهُودَ فَيَسْلِمُ كَثِيرٌ مِنْهُمْ»^۲ به راستی مهدی علیه السلام تابوت سکینه را از غار انطاکیه و سفرهای تورات را از کوهی در شام بیرون می‌آورد و به وسیله آن با یهود محاجه می‌کند، سپس عده زیادی از یهودیان مسلمان می‌شوند.

کاربرد تابوت سکینه در زمان ظهور

از خواص منحصر به فرد تابوت

می‌زند: ای کافر! وای بر تو باد (ولی) کافر داد می‌زند ای مؤمن! خوشا به حالت، دوست داشتم امروز مثل تو بودم تا رستگار می‌شدم.»

۴. تابوت سکینه

چهارمین میراثی که از انبیای گذشته به حضرت مهدی علیه السلام می‌رسد تابوت سکینه و یا «صندوق عهد» است که هنگام ظهور همراه آن حضرت می‌باشد.

این تابوت همان صندوقی است که مادر موسی او را در آن گذاشت و به دریا افکند و هنگامی که بوسیله عمال فرعون از دریا گرفته شد و موسی را از آن بیرون آوردند، همچنان در دستگاه فرعون نگهداری می‌شد و سپس به دست بنی اسرائیل افتاد، بنی اسرائیل این صندوق خاطره‌انگیز را محترم می‌شمردند و به آن تبرک می‌جستند.

موسی در واپسین روزهای عمر خود، الواح مقدس که احکام خدا بر آن نوشته بود به ضمیمه زره خود و یادگارهای دیگری را در آن نهاد و به وصی خویش «یوشع بن نون» سپرد و به این ترتیب، اهمیت این صندوق در

۱. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه (تهران، دارالکتب الاسلامیه) ج ۲، ص ۱۷۳-۱۷۴.

۲. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۳۰۹.

كَأَنَّهُ تَرَفَعَ نَطَاقُهَا بِحَلَقَتَيْنِ؛^۱ و آن زره بر بدن و قامت قائم علیه السلام، همانگونه که بر بدن رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، می باشد و دامن آن زره از زمین بالاتر است به نحوی که گویا جلوی آن با دو حلقه بالا رفته است.»

در مورد پرچم و شمشیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ثُمَّ يَهْرُ الزَّيْبَةُ الْجَلِيَّةَ وَ يَنْشُرُهَا وَ هِيَ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله السَّحَابَةُ وَ دُرْعُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله السَّابِغَةُ، وَ يَتَقَلَّدُ بِسَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ذِي الْفَقَارِ؛^۲ سپس پرچم روشن را به اهتزاز در می آورد و آن را می گشاید و آن همان پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله به نام سحابه است و (همچنین) زره پیامبر صلی الله علیه و آله به نام سابغه را همراه دارد و شمشیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نام ذوالفقار را به گردن می آویزد.»

همچنین جابر بن عبدالله انصاری از امام باقر علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود: «يُظَهَّرُ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ عِنْدَ

سکینه در دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام آن است که آنرا به هر شهری (که از فرمان آن حضرت تخلف کرده است) و یا کشوری ارسال کند، طعمه حریق شده و از جغرافیای جهان محو خواهد شد و بدین سان خدای قهار، حضرت را با عصای موسی، انگشتر سلیمان و تابوت سکینه، مجهز ساخته که پیشرفته ترین اسلحه بشری نیز در مقابل آن، توان مقابله و استقامت را نخواهد داشت.^۱

۵. زره، پرچم، و شمشیر و... پیامبر

خاتم صلی الله علیه و آله

از دیگر میراثهای پیامبران که به حضرت مهدی می رسد، مجموعه ای از ما ترک و میراث گرانبهای پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله می باشد، مانند: زره، پرچم و براق آن حضرت که در مورد زره آن حضرت که به مهدی موعود علیه السلام می رسد، امام صادق علیه السلام به ابا بصیر فرمود: ای ابا محمد! پدرم زره رسول خدا را پوشید و آن را به زمین می کشید و من نیز آن را پوشیدم که نزدیک بود به اندازه باشد، آنگاه فرمود: «وَ أَنَّهُا تَكُونُ مِنَ الْقَائِمِ كَمَا كَانَتْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مُسَمَّرَةً

۱. محمد راجی، خصائص المهدی، ص ۳۱۰؛ کامل سلیمان، روزگارهایی، ج ۱، ص ۵۲۰.
 ۲. حسین نوری طبرسی، نجم الثاقب (چاپ جمکران) ص ۱۷۱ و محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۱۸۸.
 ۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ذیل روایت ۸۱

مهدی علیه السلام در مکه به هنگام نماز عشا ظهور می کند در حالی که پرچم و لباس و شمشیر رسول خدا همراه اوست.

ساخته) بر آن می پوشد و بر اسب تیره رنگ و ابلق که میان پیشانی تا گلویش سفید است سوار شده است، پس اسبش او را به حرکت در آورد؛ به گونه ای که مردم هر شهری می بینند، قائم در میان شهرهای آنهاست؛ پس پرچم رسول خدا را باز می کند [که] دستگیره آن از عمود عرش [الهی] است و حرکت دهنده آن از یاری خدا است. با آن پرچم به سوی هر چیزی رو کند، خداوند آن را به هلاکت می رساند، پس هنگامی که آن پرچم را به اهتزاز در آورد مؤمنی باقی نمی ماند مگر اینکه قلبش همچون پاره آهنی [سخت و محکم] می شود و به مؤمن، توان چهل نفر را اعطا می کند.»

۱. نجم الثاقب، ص ۱۲۶؛ غیبت نعمانی ص ۱۶۱؛ الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۲۵.
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸، روایت ۴۸.

العشاء وَمَعَهُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَقَمِيصُهُ وَسَيْفُهُ؛^۱ مهدی علیه السلام در مکه به هنگام نماز عشا ظهور می کند در حالی که پرچم و لباس و شمشیر رسول خدا همراه اوست.» قابل ذکر است که یادگارهای خاتم انبیاء و میراث او نیز کاربرد فوق العاده ای برای حضرت مهدی علیه السلام دارد که در روایات بدان اشاره شده است؛ از جمله ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «كَأَنِّي بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَجَفِ الْكُوفَةِ وَقَدْ لَبَسَ دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَنْتَفِضُ هَوْبُهَا فَتَسْتَدِيرُ عَلَيْهِ فَيَعْتَشِبُهَا بِخِدَاجَةٍ مِنْ إِسْتَبْرَقِي وَيَرْكَبُ قَرَسًا أَذْهَمُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ شِمْرَاخٌ فَيَنْتَفِضُ بِهِ إِنْتِضَاضَةً لَا يَبْقَى أَهْلُ بِلَادِي إِلَّا وَهُمْ يَزُونَ أَنَّهُ مَعَهُمْ فِي بِلَادِهِمْ فَيَنْشُرُ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَمُودَهَا مِنْ عَمُودِ الْعَرْشِ وَسَائِرُهَا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ لَا يَهْوِي بِهَا إِلَى شَيْءٍ أَبَدًا إِلَّا أَهْلَكَهُ اللَّهُ فَإِذَا هَرَّهَا لَمْ يَبْقَ مُؤْمِنٌ إِلَّا ضَارَ قَلْبُهُ كَثْرَ الْبُرِّ الْحَدِيدِ وَيُعْطَى الْمُؤْمِنَ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا؛^۲ گویا من قائم را می بینم در نجف کوفه، در حالی که زره پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را پوشیده، پس آن حضرت با آن زره که بر او احاطه دارد حرکت می کند و لباس ضخیمی (و یا حریری همراه با پنبه که زره را منور